

اقتصاد، مقصود، ۱۳۲۲ -

انسان؛ کلید اسرار هستی / تدوین و نگارش مقصود اقتصاد.

قم: همای غدیر، ۱۳۹۳.

۱۷۵ ص: مصور (بخشی رنگی)، جدول.

.... ریال ۱-۵۱-۸۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸

فیبا

کتابنامه: ص. ۱۷۵؛ همچنین به صورت زیرنویس:

انسان (فلسفه)

خودشناسی

روح

۱۳۹۳ الف ۷ الف ۵/۵ B۸۲۸

۱۲۸

۳۵۷۷۱۲۵

کتابشناسنامه کتاب لا

..... عنوان: انسان؛ کلید اسرار هستی

..... مؤلف: مقصود اقتصاد

..... ناشر: انتشارات همای غدیر

..... ک: حروف چین و ویراستار: سیده زیتون هاشمی

..... ک: مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر

..... ک: نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳

..... ک: شمارگان: ۵۰۰ نسخه

..... ک: شابک: ۱-۵۱-۸۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸

..... ک: قیمت: ۸۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

تهران، ۲۱-۲۲۷۵۴۵۳۹

قم، پخش کتاب بک نام ۳۷۸۳۷۱۱۱-۲۵

انسان کلید استمرار

تو هنوز ناپدیددی، ز جمال خود چه دیدی سحری چو آفتابی در درون خود بر آیی

تدوین و نگارش:

مقصود اقتصاد

طرح روی جلد برگرفته از کتاب زوایای مخفی حیات استاد عنقا

حق چاپ محفوظ است.

فهرست عناوین

۷.....	مقدمه
۱۴.....	سیری بر علوم مخفی حیات
۱۸.....	کرم کند بی دریغ، عطا کند بی سؤال
۲۰.....	فطرت خدا جریب انسان‌ها
۲۵.....	پندهای منو
۳۷.....	هرمتیان
۴۱.....	کوه جالب و عجیب ایرانی
۵۹.....	روح، مدیوم، تغییر شکل
۶۰.....	وجدان ما کیست؟
۶۴.....	مرگ
۶۴.....	نظریه متفکران و دانشمندان درباره اتر (اثیر)
۶۷.....	بقای روح بعد از مرگ
۶۹.....	ابدیت
۷۱.....	ادراک
۷۴.....	تغییر نام مرگ

زیستن یا نابودی؟.....	۸۰
ماهیت ماده.....	۹۶
عقیده مادیون.....	۹۶
اثبات بقای روح برای یک فیلسوف شکاک.....	۱۲۳
پوشش روح.....	۱۲۶
مدیوم‌های بنام.....	۱۲۸
علم روحی چیست.....	۱۳۱
دل بستگی‌های دیوم ارواح.....	۱۳۲
تکامل روح یا اندیشه.....	۱۳۷
مطلبی حائز اهمیت در مورد روح.....	۱۳۹
القاء معلومات مفید ارواح به محققان.....	۱۴۰
واقعه شگفت‌انگیز از یک جلسه روحی.....	۱۴۵
روح حیوانات.....	۱۵۰
مقایسه روح.....	۱۵۱
تفاوت نگاه‌ها.....	۱۵۱
نظریه انیشتین.....	۱۵۵
مسافرت بی‌بازگشت.....	۱۵۶
اظهارات روح «لومن» منجم به شاگردش.....	۱۵۷
زایشی دوباره.....	۱۶۱
شعور باطن.....	۱۶۲

۱۶۳	 نظریه پرفسور فروید
۱۶۵	 جایگاه شعور باطن
۱۶۷	 نهرا سیدن از مرگ
۱۶۷	 واقعه‌ای عجیب در مجتمع تحقیقات روحی انگلیس
۱۷۵	 منابع و مآخذ

مقدمه

سخن را با ستایش خدا آغاز می‌کنم، جز مدد از توان بی‌پایان او، کاری آغاز نشود و به انجام نرسد.

تقدیم به جست‌وجوگران راه بینش و شخصیت و جوهر اصلی انسان در هر دو سرا، لطف خداوندی توفیق داد تا جملاتی از رسوبات مطالعات خود را بنگارم. این نوشته محصول پرسش‌های متعددی است که من در طول عمر از خود پرسیده‌ام. البته هر کس کم و بیش از خود این‌ها را از خود می‌پرسد و بعضی نیز به جواب‌هایی می‌رسند که یک باره مسیر زندگی‌شان را تغییر می‌دهد و برخی نیز به جواب‌های نسبی دست می‌یابند که آن را از اسرار می‌شمارند و در خود نهفته می‌دارند. به نظر حقیر رسیدن به این جواب‌ها، هرچند ناقص، حق هر انسان است و هر که فهم، آگاهی و نبوغش بیشتر باشد، نظرش درست‌تر بوده و اسرار حیات را به انسان‌های کنجکاو تبیین^۱ می‌کند که آیا اندیشه و شعور که جوهر و شکل اصلی پدیده‌های هستی است، دارای وجود مستقل و مکانی قابل درک و شناخت، در جهان هست یا خیر؟ آیا می‌توان نام دیگر شعور و اندیشه را «روح» گذاشت و آن را ماده و جوهر اصلی حیات

^۱. بیان روشن.

و علم هستی به حساب آورد؟ و سؤال‌های دیگر...

این سؤالات ذهن مرا مشغول کرد و هر چه کاوش کردم، سؤالاتم بیشتر شد؛ زیرا تعداد سؤالات بیش از جواب‌ها بود. در نهایت، دریافتم که بیشتر استادان بر این نظرند که جهان شعور خاص خود را دارد؛ در واقع، پدیده‌های هستی، شکل دیگری از اندیشه بزرگ کائنات است که از الکترون‌ها، نوترون، پروتون و فرتون گرفته تا متاگالاکی کل کیهان را به وجود می‌آورد.

مسلماً خود انسان نیز بخش اسرارآمیز بزرگی از شعور بزرگ لایزال هستی است. حقیر جرأت کردم با بال‌هایی ناچیزتر از پشه در برابر شاهین عظیم، بال بگسترانم و در این حیطة وصف‌ناپذیر، تحقیق کنم و جواب‌های نسبی خود را از لابه‌لای گفته‌های رهبران فکر و اندیشه بیرون بکشم و رسوبات آن‌ها را در حد بینش و بضاعت علمی خویش، بنگارم و نام آن را «انسان؛ ملید اسرار هستی» بگذارم که برگرفته از سخنان بزرگانی است که معتقد بودند: «ان کسی که خود را شناخت، رب خود را خواهد شناخت.»

اخیراً تعدادی از دانشمندان، از اخترشناس، فیزیک‌دان، شیمی‌دان، ریاضی‌دان و زیست‌شناس گرفته تا دانشمندان علوم اجتماعی، به مکتب «گنوسی» پیوسته‌اند.

مکتب گنوسی مکتبی است که سعی می‌کند معرفت به خدا را از طریق علمی دریابد و وجود این معمار بزرگ وصف‌ناشدنی را از طریق «علوم در متدولوژی» اثبات نماید. «گنوسی‌سیسم» نام فلسفی این مکتب است که مخالفان آن را «آگنوسی‌سیسم» می‌نامند و عرب‌ها به آن «لا ادریه» می‌گویند؛ یعنی مکتبی که معتقدند است کسی هرگز به کُنه شناخت و معرفت پروردگار پی نبرده و آن را نخواهند شناخت؛ به همین دلیل، بحث و کاوش در آن را بیهوده می‌داند.

طرفداران گنوسی با همه علم خود به دنبال کشف جوهر هستی، آغاز آفرینش، نهایت خلقت، فلسفه هستی، مسائل متافیزیک، بقای روح و... می‌باشد. البته این نظریه، فلسفه جدید نیست؛ زیرا فلاسفه و عرفای ایران زمین همواره از نظر علمی و تحقیقی،

غنی‌تر، پرتوان‌تر و پردلیل‌تر و پی‌گیر قضایای دشوار و مجهول بوده و نظریات و تحقیقات خود را به صورت شعر و داستان به جویندگان رسانیده‌اند. گرچه اظهار عجز و ناتوانی کرده‌اند، ولی به‌یقین به چیزهایی دست یافته‌اند.

آن‌ها همواره خاموش بوده‌اند؛ چنان‌که «عطار نیشابوری» عارف شنیدا دل ایران زمین

می‌فرماید:

گم شدم در خود چنان کز خویش ناپیدا شدم	شب‌نمی بودم ز دریا غرقه در دریا شدم
سایه‌ای بودم ز اول بر زمین افتاده خوار	راست کان خورشید پیدا گشت ناپیدا شدم
ز آمدن بس بی‌نشان و وز شدن پس بی‌خبر	گویا یک دم برآمد کامدم من یا شدم
نه مبرش از من سخن، زیرا که چون پروانه‌ای	در فروغ شمع روی دوست، ناپروا شدم
در ره عشق قدم در راه، اگر بیادانشی	لاجرم در عشق هم نادان و هم دانا شدم
چون همه تن دیده می‌بایست بود در کون گشت	این عجاب بین که چون بینای نابینا شدم
خاک بر فرقم اگر یک ذره دارم آگهی	کجاست آن‌جا که من سرگشته‌دل آن‌جا شدم
چون دل عطار بیرون دیدم از هر دو جهان	من ز کجاست او بیدل و شنیدا شدم

همچنین «موریس مترلینگ» محقق و اندیشمند معاصر می‌گوید: اگر چه تحقیقات ما به منزله‌ متاهی است که با آن دائماً چاه نادانی خویش را عمیق‌تر می‌کنیم، با این همه، چاره‌ای جز کشف اسرار جهان و حیات نداریم و نباید از تجسس و تحقیق باز بایستیم.

بی مقدار: مقصود اقتصاد

۹۲/۶/۲۰